

او می‌داند چه کسانی در قلبشان حب این گناه است و کسانی را که زیر نامه‌ای فریبنده به این عمل شوم می‌پردازند می‌شناسد اما شما نمی‌دانید و نمی‌شناسید.

و او می‌داند چگونه برای جلوگیری از این عمل زشت و قبیح احکامش را نازل کند.

در آخرین آیه مورد بحث که در عین حال آخرین آیات «افک» و مبارزه با «اشاعه فحشاء» و «قذف» مؤمنان پاکدامن است، بار دیگر این حقیقت راتکرار و تاءکید می‌کند که: «اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نمی‌شد، واگر

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۰۵

خداوند نسبت به شما رحیم و مهربان نبود آنچنان مجازات عظیم و دردناکی در این دنیا برای شما قائل می‌شد که روزگارتان سیاه و زندگیتان تباه گردد» (و لو لافضل الله علیکم و رحمته و ان الله رؤف رحیم).

#### ۱ - اشاعه فحشاء چیست؟

از آنجا که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود، پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگیش.

روی همین اصل در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند شدیداً مبارزه شده است.

اگر می‌بینیم در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده یکی از فلسفه‌هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت جامعه را جریحه دار می‌کند.

اگر می‌بینیم دستور عیب پوشی داده شده یک دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند.

اگر می‌بینیم گناه آشکار اهمیتش بیش از گناه مستور و پنهان است تا آنجا که در روایتی از امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) می‌خوانیم: المذیع

بالسيئة مخذول والمستتر بالسيئة مغفور له: «آنكس كه گناه را نشر دهد مخذول ومطرود است و آنكس كه گناه را پنهان مي دارد مشمول آمرزش الهي است».

---

#### تفسير نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۰۶

و اگر مي بينيم در آيات فوق موضوع اشاعه فحشاء با لحنی بسيار شديد و فوق العاده كوبنده محكوم شده نيز دليلش همين است.

اصولا گناه همانند آتش است، هنگامی كه در نقطه‌ای از جامعه اين آتش روشن شود بايد سعی و تلاش كرد كه آتش خاموش، يا حداقل محاصره گردد، اما اگر به آتش دامن زنيم و آن را از نقطه‌ای به نقطه ديگر ببريم، حريق همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر كنترل آن نخواهد بود.

از اين گذشته عظمت گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگيها خودسبب بزرگی در برابر فساد است، اشاعه فحشاء و نشر گناه و تجاهر به فسق اين سد را می شكند، گناه را كوچك می كند، و آلودگی به آن را ساده می نمايد.

در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانيم: من اذاع فاحشة كان كمبتدئها: «کسی كه كار زشتی را نشر دهد همانند کسی است كه آن را در آغاز انجام داده».

در حدیث دیگری از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می خوانيم كه مردی خدمتش آمد و عرض كرد: فدایت شوم از یکی از برادران دینی كاری نقل كردند كه من آن را ناخوش داشتم، از خودش پرسيدم انكار كرد در حالی كه جمعی از افراد موثق اين مطلب را از او نقل کرده اند، امام فرمود: كذب سمعك و بصرک عن اخيك و ان شهد عندك خمسون قسامه و قال لك قول فصدقه و كذبهم، ولا تدعي عن عليه شيئا تشينه به و تهدم به مروته، فتكون من الذين قال الله عز وجل ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا و الآخرة: «گوش و چشم خود را در مقابل برادر مسلمانان تكذيب كن، حتی اگر پنجاه نفر سوگند خورند كه او كاری کرده و او بگويد نكرده ام از او بپذير و از آنها نپذير، هرگز چیزی كه مایه عيب و ننگ او است و شخصيتش را

از میان می‌برد در جامعه پخش مکن که از آنها خواهی بود که خداوند درباره آنها فرموده: «کسانی که دوست می‌دارند زشتیها در میان مؤمنان پخش شود عذاب دردناکی در دنیا و آخرت دارند» و.  
ذکر این نکته نیز لازم است که «اشاعه فحشاء» اشکال مختلفی دارد:  
گاه به این می‌شود که دروغ و تهمت را دامن بزند و برای این و آن بازگو کند.

گاه به این است که مراکزی که موجب فساد و نشر فحشاء است به وجود آورد.  
گاه به این است که وسائل معصیت در اختیار مردم بگذارند و یا آنها را به گناه تشویق کنند و بالاخره گاه به این حاصل می‌شود که پرده حیا را بدرند و مرتکب گناه در ملاء عام شوند، همه اینها مصداق اشاعه فحشاء است چرا که مفهوم این کلمه، وسیع و گسترده می‌باشد (دقت کنید).

## ۲- بلای شایعه سازی

جعل و پخش شایعات دروغین و نگران کننده یکی از مهمترین شاخه‌های جنگ روانی توطئه‌گران است.

هنگامی که دشمن قادر نیست از طریق رویارویی صدمه‌ای وارد کند دست به پخش شایعات می‌زند، و از این طریق افکار عمومی را نگران و به خود مشغول ساخته و از مسائل ضروری و حساس منحرف می‌کند.  
شایعه سازی یکی از سلاحهای مخرب برای جریحه دار ساختن حیثیت

نیکان و پاکان و پراکنده ساختن مردم از اطراف آنها است.  
در آیات مورد بحث - طبق شأن نزولهای معروف - منافقین برای لکه دار ساختن حیثیت پیامبر خدا و متزلزل ساختن وجاهت عمومی او دست به جعل ناجوانمردانه‌ترین شایعات و پخش آن زدند و پاکی بعضی از همسران پیامبر بزرگ اسلام را - با استفاده از یک فرصت مناسب - زیر سؤال کشیدند، و برای مدتی نسبتاً طولانی چنان افکار مسلمانان را مشوب و ناراحت کردند که مؤمنان ثابت قدم و راستین همچون مار گزیده به خود می‌پیچیدند تا اینکه وحی الهی به یاری آنان آمد و چنان گوشمال شدیدی به منافقان شایعه ساز داد که درس عبرتی برای همگان شد.

گر چه در جامعه‌هائی که خفقان سیاسی وجود دارد نشر شایعات یکنوع مبارزه محسوب می‌شود، ولی انگیزه‌های دیگری همچون انتقام‌جوئی، تصفیه حسابهای خصوصی، تخریب اعتماد عمومی، لکه‌دار ساختن شخصیت افراد بزرگ و منحرف ساختن افکار از مسائل اساسی نیز عوامل پخش شایعات محسوب می‌باشد.

این کافی نیست که ما بدانیم چه انگیزه‌ای سبب شایعه‌سازی است، مهم آن است که جامعه را از اینکه آلت دست شایعه‌سازان گردد و به نشر آن کمک کند و بادست خود وسیله نابودی خویش را فراهم سازد بر حذر داریم، و به مردم توجه دهیم که باید هر شایعه را همانجا که می‌شنویم دفن کنیم و گرنه دشمن را خوشحال و پیروز ساخته‌ایم، بعلاوه مشمول عذاب الیم دنیا و آخرت که در آیات فوق به آن اشاره شده خواهیم بود.

### ۳- کوچک شمردن گناه -

در آیات فوق از مسائلی که مورد نکوهش قرار گرفته این بود که شما گناهی همچون نشر بهتان و تهمت را مرتکب می‌شوید و در عین حال آن را کوچک می‌شمردید.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۰۹

به راستی کوچک شمردن گناه خود یکی از خطاها است، کسی که گناهی می‌کند و آن را بزرگ می‌شمرد و از کار خود ناراحت است در مقام توبه و جبران بر می‌آید، اما آنکس که آن را کوچک می‌شمرد و اهمیتی برای آن قائل نیست و حتی گاه می‌گوید: «خوشا به حال من اگر گناه من همین باشد!» چنین کسی در مسیر خطرناکی قرار گرفته، و همچنان به گناه خود ادامه می‌دهد.

به همین دلیل در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم: اشد الذنوب ما استهان به صاحبه: «شدیدترین گناهان گناهی است که صاحبش آن را سبک بشمارد».

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۰

ياايها الذين اءمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان و من يتبع خطوات الشيطان فانه  
 يامر بالفحشاء و المنكر و لو لا فضل الله عليكم و رحمته ما زكى منكم من اءحد  
 اءبدا ولكن الله يزكى من يشاء و الله سميع عليم ٢١  
 و لا ياتل اءولوا الفضل منكم و السعة اءن يؤتوا اءولى القربى و المساكين  
 و المهاجرين فى سبيل الله و ليعفوا و ليصفحوا اءلا تحبون اءن يغفر الله لكم و  
 الله غفور رحيم ٢٢  
 ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فى الدنيا و الاخرة و  
 لهم عذاب عظيم ٢٣  
 يوم تشهد عليهم اءلسنتهم و اءيديهم و اءرجلهم بما كانوا يعملون ٢٤  
 يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق و يعلمون اءن الله هو الحق المبين

#### تفسير نمونه جلد ١٤ صفحه ٤١١

ترجمه :

- ٢١ - اى كسانى كه ايمان آورده ايد از گامهاى شيطان پيروي نكنيد هر كس  
 قدم جاى قدمهاى شيطان بگذارد (گمراهش مى سازد)، چرا كه او امر به  
 فحشاء و منكر مى كند، و اگر فضل و رحمت الهى به سراغ شما نمى آمد احدى  
 از شما هرگز پاك نمى شد ولى خداوند هر كه را بخواهد تزكيه مى كند و خدا  
 شنوا و دانا است.
- ٢٢ - آنها كه داراى برترى (مالى) و وسعت زندگى هستند نبايد سوگند ياد  
 كنند كه از انفاق نسبت به نزديكان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دريغ  
 نمايند، آنها بايد عفو كنند و صرف نظر نمايند، آيا دوست نمى داريد خداوند شما  
 را ببخشد؟ و خداوند غفور و رحيم است.
- ٢٣ - كسانى كه زنان پاكدامن و بيخبر (از هر گونه آلودگى) و مؤمن را  
 متهم مى سازند در دنيا و آخرت از رحمت الهى بدورند، و عذاب بزرگى در  
 انتظارشان است.
- ٢٤ - در آن روز كه زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالى كه  
 مرتكب مى شدند گواهى مى دهد.
- ٢٥ - در آن روز خداوند جزاى واقعى آنها را بى كم و كاست مى دهد، و مى دانند  
 كه خداوند حق مبين است.

تفسير:

## مجازات هم حسابی دارد!

گر چه این آیات صریحا داستان افک را دنبال نمی کند ولی تکمیلی برای محتوای آن بحث محسوب می شود، هشداری است به همه مؤمنان که نفوذ افکار

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۲

و اعمال شیطانی گاه به صورت تدریجی و کم رنگ است و اگر در همان گامهای نخست کنترل نشود وقتی انسان متوجه می گردد که کار از کار گذشته است، بنابراین هنگامی که نخستین وسوسه های اشاعه فحشا یا هر گناه دیگر آشکار می شود، باید همانجا در مقابل آن ایستاد تا آلودگی گسترش پیدا نکند.

در نخستین آیه روی سخن را به مؤمنان کرده، می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید از گامهای شیطان پیروی نکنید، و هر کس از گامهای شیطان پیروی کند به انحراف و گمراهی و فحشاء و منکر کشیده می شود چرا که شیطان دعوت به فحشاء و منکر می کند» (یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا خطوات الشیطان و من يتبع خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء و المنکر).

اگر «شیطان» را به معنی وسیع کلمه، یعنی «هر موجود مودی و تبهکار و ویرانگر» تفسیر کنیم گستردگی این هشدار در تمام ابعاد زندگی روشن می شود. هرگز یک انسان پاکدامن و با ایمان را نمی شود یک مرتبه در آغوش فساد پرتاب کرد، بلکه گام به گام این راه را می سپرد:

گام اول معاشرت و دوستی با آلودگان است.

گام دوم شرکت در مجلس آنها.

گام سوم فکر گناه.

گام چهارم ارتکاب مصادیق مشکوک و شبهات.

گام پنجم انجام گناهان صغیره.

و بالاخره در گامهای بعد گرفتار بدترین کبائر می شود، درست به کسی

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۳

می ماند که زمان خویش به دست جنایتکاری سپرده او را گام به گام به سوی پرتگاه می برد، تا سقوط کند و نابود گردد، آری این است «خطوات

شیطان».

سپس اشاره به یکی از مهمترین نعمتهای بزرگش بر انسانها در طریق هدایت کرده چنین می گوید: اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود احدی از شما هرگز پاک نمی شد، ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می کند، و خدا شنوا و دانا است (و لولا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد ابداء و لکن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم).

بدون شک فضل و رحمت الهی است که موجب نجات انسانها از آلودگیها و انحرافات و گناهان می شود، چرا که از یک سو موهبت عقل را داده، و از سوی دیگر موهبت وجود پیامبر و احکامی که از طریق وحی نازل می گردد، ولی از این مواهب گذشته توفیقات خاص او و امدادهای غیبیش که شامل حال انسانهای آماده و مستعد و مستحق می گردد مهمترین عامل پاکی و تزکیه است.

جمله «من یشاء» چنانکه بارها گفته ایم به معنی اراده و مشیت بی دلیل نیست، بلکه تا مجاهده و تلاشی از ناحیه بندگان نباشد هدایت و موهبتی از ناحیه خدا صورت نمی گیرد، آن کس که طالب این راه است و در آن گام می نهد و جهاد می کند، دستش را می گیرید، از وسوسه شیاطین حفظش می کند و به سرمنزل مقصود می رساند.

و به تعبیر دیگر فضل و رحمت الهی گاه جنبه تشریعی دارد، و آن از طریق بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی و تشریع احکام و بشارتها و اندازها است، و گاه جنبه تکوینی دارد و آن از طریق امدادهای معنوی و الهی است، و آیات مورد بحث (بقرینه جمله من یشاء) بیشتر ناظر به قسمت دوم است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۴

ضمننا باید توجه داشت که زکات و تزکیه در اصل به معنی نمو یافتن و نمو دادن است، ولی در بسیاری از موارد به معنی پاک شدن و پاک کردن به کار رفته است، و این هر دو ممکن است به یک ریشه باز گردد، زیرا تا پاکی از موانع و مفاسد و رذائل نباشد نمو و رشد امکان پذیر نخواهد بود.

جمععی از مفسران برای دومین آیه مورد بحث شائن نزولی نقل کرده اند که پیوند آن را با آیات گذشته روشن می سازد و آن اینکه: «این آیه درباره گروهی از صحابه نازل شد که بعد از «داستان افک» سوگند یاد کردند که

به هیچیک از کسانی که در این ماجرا درگیر بودند و به این تهمت بزرگ دامن زدند کمک مالی نکنند، و در هیچ موردی با آنها مواسات ننمایند، آیه فوق نازل شد و آنها را از این شدت عمل و خشونت باز داشت و دستور عفو و گذشت داد».

این شاءن نزول را «قرطبی» در تفسیرش از «ابن عباس» و «ضحاک»، و مرحوم «طبرسی» از «ابن عباس» و غیر او، ذیل آیات مورد بحث نقل کرده‌اند و جنبه عمومی دارد.

ولی گروهی از مفسران اهل تسنن اصرار دارند که این آیه در مورد خصوص ابوبکر نازل شده که بعد از داستان افک، کمک مالی خود را به «مسطح بن اثاثه» که «پسر خاله» یا «پسر خواهر» او بود و به مسأله افک دامن می‌زد قطع کرده، در حالی که تمام ضمیرهایی که در آیه به کار رفته به صورت جمع است و نشان می‌دهد که گروهی از مسلمانان بعد از این ماجرا تصمیم به قطع کمکهای خود از این مجرمان گرفته بودند و آیه آنها را از این کار نهی کرد.

ولی به هر حال می‌دانیم آیات قرآن اختصاص به شاءن نزول ندارد، بلکه همه مؤمنان را تا دامنه قیامت شامل می‌گردد، یعنی توصیه می‌کند که مسلمانان در این گونه موارد گرفتار احساسات تند و داغ نشوند و در برابر لغزشها و اشتباهات

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۵

گنهکاران تصمیمات خشن نگیرند.

با توجه به این شاءن نزول به تفسیر آیه باز می‌گردیم:

قرآن می‌گوید: «آنها که دارای برتری مالی و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند (یا تصمیم بگیرند) که انفاق خود را نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا قطع می‌کنند» (و لا یاتل اولوا الفضل منکم و السعة ان یؤتوا ولی القربى و المساکین و المهاجرین فی سبیل الله). این تعبیر نشان می‌دهد که جمعی از کسانی که آلوده افک شدند از مهاجران در راه خدا بودند که فریب منافقان را خوردند، و خداوند به خاطر سابقه آنها اجازه نداد که آنان را از جامعه اسلامی طرد کنند و تصمیمهایی که بیش از حد استحقاق باشد درباره آنها بگیرند.



ضمنا جمله «(لا یاتل)» از ماده «(الیه)» (بر وزن عطیه) به معنی سوگند یاد کردن و یا از ماده «(الو)» (بر وزن دلو) به معنی کوتاهی کردن و ترک نمودن است، بنابراین آیه طبق معنی اول نهی از سوگند در قطع این گونه کمکها می کند.

و بنابر معنی دوم نهی از کوتاهی و ترک این عمل می نماید. سپس برای تشویق و ترغیب مسلمانان به ادامه این گونه کارهای خیر اضافه می کند «(باید عفو کنند و گذشت نمایند)» (و لیعفو و لیصفحوا). «(آیا دوست نمی دارید خداوند شما را بیامرزد)» (الا تحبون ان یغفر الله لکم). پس همانگونه که شما انتظار عفو الهی را در برابر لغزشها دارید باید در مورد دیگران عفو و بخشش را فراموش نکنید.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۶

«و خداوند غفور و رحیم است» (و الله غفور رحیم). عجب اینکه از یکسو با آنهمه آیات کوبنده، «(اصحاب افک)» را شدیداً محکوم می کند، اما برای اینکه افراد افراطی از حد تجاوز نکنند با سه جمله که هر یک از دیگری گیراتر و جذابتر است احساساتشان را کنترل می نماید: نخست امر به عفو و گذشت می کند. سپس می گوید آیا دوست ندارید خدا شما را ببخشد؟ پس شما هم ببخشید. و سرانجام دو صفت از صفات خدا که «(غفور)» و «(رحیم)» است به عنوان تاءکید ذکر می کند اشاره به اینکه شما نمی توانید داغتر از فرمان پروردگار باشید خداوند که صاحب اصلی این حکم است غفور و رحیم است، او دستور می دهد کمکها را قطع نکنید، دیگر شما چه می گوئید؟! بدون شک همه مسلمانانی که در ماجرای افک درگیر شدند با توطئه قبلی نبود، بعضی از منافقین مسلمان نما پایه گذار بودند، و گروهی مسلمان فریب خورده دنباله رو، بدون شک همه آنها مقصر و گناهکار بودند، اما میان این دو گروه فرق بسیار بود، و نمی بایست با همه یکسان معامله کنند. به هر حال آیات فوق درس بسیار بزرگی است برای امروز و فردای مسلمانان و همه آیندگان که به هنگام آلودگی بعضی از افراد به گناه و لغزشی، نباید در کیفر از حد اعتدال تجاوز کرد، نباید آنها را از جامعه اسلامی طرد نمود، و نباید درهای کمکهای را به روی آنها بست تا یکباره در دامن دشمنان سقوط

کنند و در صف آنها قرار گیرند.

آیات فوق در حقیقت ترسیمی از تعادل «جاذبه» و «دافعه» اسلامی است: آیات افک و مجازات شدید تهمت زندگان به نوامیس مردم نیروی عظیم دافعه را تشکیل می دهد، و آیه مورد بحث که سخن از عفو و گذشت و غفور و رحیم بودن خدا می گوید بیانگر جاذبه است!

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱۷

سپس بار دیگر به مسأله «قذف» و متهم ساختن زنان پاکدامن با ایمان به اتهام ناموسی بازگشته، و بطور مؤکد و قاطع می گوید: «کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر از هر گونه آلودگی و مؤمن را به نسبت های ناروا متهم می سازند در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و عذاب عظیمی در انتظار آنها است» (ان الذین یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنيا و الاخرة و لهم عذاب عظیم). در واقع سه صفت برای این زنان ذکر شده که هر کدام دلیلی است بر اهمیت ظلمی که بر آنها از طریق تهمت وارد می گردد:

بعدها

↑ فهرست

قبلا